

نگاهی از منظر روانشناسی تکاملی به پیش بینی رفتارهای همکاری و استراتژی جفت‌گزینی با هوش هیجانی

میترا صفاکیش^۱، کاظم خرم دل^{۲*}، سوده دشتیان^۳

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز، شیراز، ایران.
^۲ دکترای تخصصی روانشناسی، استادیار گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز، شیراز، ایران
^۳ دانشجوی دکترای تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر نگاهی از منظر روانشناسی تکاملی به پیش بینی رفتارهای همکاری و استراتژی جفت‌گزینی با هوش هیجانی بود. روش تحقیق توصیفی-همبستگی بود. جامعه پژوهش حاضر را تمامی افراد بین ۱۸ تا ۵۰ سال از نواحی مختلف شهر شیراز در سال ۱۴۰۴ تشکیل دادند. حجم نمونه پژوهش از جامعه یادشده براساس تعداد ابعاد متغیرها به تعداد ۱۹۰ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های هوش هیجانی شات و همکاران (۱۹۹۸) و تاریخچه زندگی آریزونا (۲۰۱۷) پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم افزار SPSS27 انجام شد. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی و رفتارهای همکاری رابطه معناداری وجود دارد. بین هوش هیجانی و استراتژی‌های جفت‌گزینی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان داد که افزایش نمره استراتژی تاریخچه زندگی، یعنی استفاده از استراتژی کند و انتخاب راهبرد k (ترجیح تخصیص به‌جای تلاش جسمانی و والدین/شخصیت‌گرایانه، تاکید بر بقای خود و/یا فرزندان فعلی به‌جای تولید موجودات جدید)، در مقابل راهبرد I (تخصیص ترجیحی منابع به تلاش تولیدمثلی و جفت‌گیری می‌باشد و تاکید بر تولید موجودات جدید) می‌باشد، که رابطه مستقیم با هوش هیجانی دارد. همچنین هوش هیجانی بالاتر، همکاری بیشتر را میسر می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: روانشناسی تکاملی، رفتارهای همکاری، استراتژی جفت‌گزینی، هوش هیجانی.

۱- مقدمه

ازدواج یک امر جهانی است که در تمامی جوامع و در طول تاریخ وجود داشته و به یک مجموعه از نیازهای اساسی انسان پاسخ می دهد. بقای نسل و پرورش فرزندان، تحقق آرزوی دیرین کودکی برای پدر یا مادر بودن، دستیابی به عالی ترین سطح دوستی و صمیمیت دوره جوانی و بزرگسالی، ارتباط گرم و دو جانبه عاطفی و جنسی و تقسیم کار و همکاری و همراهی در طول زندگی، در شمار اساسی ترین کارکردهای خانواده، بعد از ازدواج می باشد. به نظر می رسد ملاک های انتخاب همسر تحت تاثیر متغیرهای مختلف روانشناختی است (دژکام، ۱۴۰۰).

هوش هیجانی به عنوان یک سازه مهم در روانشناسی، به توانایی شناسایی، درک و مدیریت احساسات خود و دیگران اشاره دارد و تأثیر قابل توجهی بر روابط اجتماعی و موفقیت های فردی دارد. در سال های اخیر، پژوهش های متعددی در ایران به بررسی ابعاد مختلف هوش هیجانی و تأثیر آن بر جنبه های مختلف زندگی پرداخته اند. به عنوان مثال، پژوهش ها نشان داده اند که هوش هیجانی می تواند به بهبود عملکرد تحصیلی و شغلی کمک کند و در کاهش استرس و اضطراب مؤثر باشد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰).

یکی از عوامل مؤثر در رفتارهای همکاری^۱ و استراتژی های جفت گزینی^۲ در افراد، هوش هیجانی^۳ می باشد. توانایی هوش هیجانی باعث می شود افراد در مقابل تکانه های عمل و ناملایماتی که در پیش رو دارند، مقاوم شوند (جنت آبادی، ۱۳۹۸). هوش هیجانی به توانایی شناسایی، درک و مدیریت احساسات خود و دیگران اشاره دارد و به عنوان یک عامل کلیدی در موفقیت های اجتماعی و حرفه ای شناخته می شود (مایر، سالوی و کوروسو^۴، ۲۰۰۳).

روانشناسی تکاملی، به ما کمک می کند تا درک کنیم که چگونه هوش هیجانی به عنوان یک سازه تکاملی، در پاسخ به چالش های اجتماعی و محیطی شکل گرفته است (توبای و کاسمیدس^۵، ۲۰۲۰). تحقیقات اخیر نشان می دهند که هوش هیجانی نه تنها به بهبود روابط بین فردی کمک می کند، بلکه می تواند در مدیریت استرس و افزایش رضایت از زندگی نیز مؤثر باشد (براکت^۶ و همکاران، ۲۰۱۹). علم روانشناسی تکاملی، به بررسی چگونگی شکل گیری و توسعه ویژگی های روانی در طول زمان می پردازد و می تواند به درک عمیق تری از هوش هیجانی کمک کند (باس^۷، ۲۰۱۹).

از منظر روانشناسی تکاملی، رفتارهای همکاری به عنوان سازگاری هایی تکاملی در نظر گرفته می شوند که به بقا و تولیدمثل انسان ها کمک کرده اند. این رفتارها، که شامل کمک به دیگران، اشتراک منابع و ایجاد اتحادها می شوند، در طول تاریخ فرگشت به انسان ها مزیت هایی نسبت به رقبا داده اند. همچنین از منظر روانشناسی تکاملی، رفتارهای اجتماعی و همکاری به عنوان ویژگی های تکاملی در نظر گرفته می شوند که به بقا و موفقیت نسل ها کمک می کنند (باس، ۲۰۱۹). درک ریشه های تکاملی رفتارهای همکاری می تواند به ما در درک بهتر روان انسان و ساخت جوامع پایدارتر و انسانی تر کمک کند. در حالی که روانشناسی تکاملی بر ریشه های بیولوژیکی رفتارهای انسانی تأکید می کند، عوامل فرهنگی و محیطی نیز نقش مهمی در شکل گیری این رفتارها دارند (کنریک^۸، ۲۰۲۳).

هنوز نیاز به تحقیقات بیشتری هست تا بتوان به درک عمیق تری از ارتباط بین هوش هیجانی و رفتارهای همکاری و استراتژی های جفت گزینی دست یافت. بنابراین با شناسایی عوامل تحت تاثیر این سازه از جمله رفتارهای همکاری و استراتژی های جفت گزینی می توان به راهکارهای مهمی در جهت بهبود روابط و همکاری بین افراد و نحوه ازدواج و

¹ Cooperative Behaviors

² Mating Strategies

³ Emotional Intelligence

⁴ Mayer, Salovey, & Caruso

⁵ Tooby & Cosmides

⁶ Brackett

⁷ Buss

⁸ Kenrick

همسرگزینی دست یافت. بنابراین پژوهشگر در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا هوش هیجانی قادر به پیش بینی رفتارهای همکاری و استراتژی های جفت گزینی در افراد می باشد؟

۲- ادبیات تحقیق

روانشناسی تکاملی^۹، یک رویکرد نظری در روان شناسی است که شناخت و رفتار را از دیدگاه فرگشت نوین (تکاملی) بررسی می کند (اسکاکتر، گیلبرت و وگنر ۱۰، ۲۰۰۷). به دنبال شناسایی سازگاری (زیست شناسی) و سازگاری روانی انسان با توجه به مشکلات اجدادی است که برای حل آنها فرگشت یافته اند. در این چارچوب، ویژگی ها و سازوکارهای روان شناختی یا محصول عملکردی انتخاب طبیعی و انتخاب جنسی در انسان هستند یا محصول جانبی غیرسازگاری صفات سازگار دیگر هستند (باس و اسمیت ۱۱، ۲۰۱۹).

با توجه به اینکه تولید مثل جنسی وسیله ای برای تکثیر ژن ها در نسل های آینده است، انتخاب جنسی نقش زیادی در فرگشت انسان ایفا می کند؛ بنابراین، انسان جفت گیری مورد توجه روانشناسان فرگشتی است که هدفشان بررسی مکانیسم های فرگشت یافته برای جذب و تأمین امنیت همسران است (ویلسون ۱۲ ران، ۱۹۷۵). چندین خط تحقیق از این علاقه ناشی شده است، مانند مطالعات انتخاب جفت (باس و همکاران، ۱۹۹۲؛ باس و بارنز ۱۳، ۱۹۸۶) اغواگری، (اسمیت ۱۴ و باس، ۲۰۰۱) حفظ همسر، (باس، ۱۹۸۸) ترجیحات جفت گیری و درگیری جنسی (باس و دیوید ۱۵، ۲۰۰۴).

تولید مثل همیشه برای زنان پرهزینه است و برای مردان نیز می تواند هزینه بر باشد. افراد از نظر میزانی که می توانند زمان و منابع خود را برای تولید و پرورش جوان خود اختصاص دهند محدود هستند و چنین هزینه هایی ممکن است برای وضعیت آینده، بقا و بازده باروری بیشتر آنها مضر باشد. سرمایه گذاری والدین هر گونه هزینه والدین (زمان، انرژی و غیره) است که به نفع یک فرزند است و هزینه ای برای توانایی والدین برای سرمایه گذاری در سایر مؤلفه های سازگاری دارد (همیلتون^{۱۶}، ۱۹۶۴). اجزای سازگاری شامل رفاه فرزندان موجود، آینده والدین تولیدمثل جنسی و سازگاری فراگیر از طریق کمک به خویشاوندان است. نظریه سرمایه گذاری والدین شاخه ای از نظریه تاریخ زندگی است. (باس و همکاران، ۱۹۹۲).

رفتار همکاری، که به عنوان رفتاری تعریف می شود که هزینه ای را برای فرد به منظور ارائه منفعتی به دیگران تحمیل می کند، یکی از اسرارآمیزترین و در عین حال اساسی ترین ویژگی های گونه انسان است. از منظر نظریه انتخاب طبیعی، که بر بقا و تولیدمثل موفقیت آمیز فرد تأکید دارد، وجود چنین رفتارهای فداکارانه ای یک پارادوکس به نظر می رسد. روانشناسی تکاملی با ارائه مکانیسم هایی همچون نظریه بازی ها، انتخاب خویشاوندی، بدهبستان متقابل و انتخاب گروهی، این پارادوکس را توضیح می دهد (نوواک^{۱۷}، ۲۰۰۶؛ ویلسون^{۱۸}، ۲۰۱۹).

انتخاب خویشاوندی (همیلتون، ۱۹۶۴) پیشنهاد می کند که کمک به خویشاوندان نزدیک، حتی با هزینه شخصی، می تواند تناسب کلی ژن های فرد را افزایش دهد. بده بستان متقابل (تریورز^{۱۹}، ۱۹۷۱) بر مبادله سودمند متقابل در طول زمان تأکید دارد، جایی که هزینه کمک امروز، با دریافت کمک در آینده جبران می شود. این مکانیسم نیازمند توانایی های شناختی

⁹ Evolutionary psychology

¹⁰ Schacter, Gilbert, & Wegner

¹¹ Buss & Schmitt

¹² Wilson

¹³ Barnes

¹⁴ Schmitt

¹⁵ David

¹⁶ Hamilton

¹⁷ Nowak

¹⁸ Wilson

¹⁹ Trivers

پیشرفته‌ای برای تشخیص شرکای قابل اعتماد، به خاطر سپردن سابقه تعاملات و تنبیه فریبکاران است (دلتون و کراسنو^{۲۰}، ۲۰۱۷). نظریه بازی‌ها، به ویژه «معمای زندانی تکراری»، به صورت ریاضی نشان داده که استراتژی «همکاری مشروط»^{۲۱} در یک جمعیت می‌تواند پایدار بماند و تکامل یابد (آکسلرود^{۲۲} و همیلتون، ۱۹۸۱).

هوش هیجانی نه تنها یک معیار برای انتخاب، بلکه یک ابزار استراتژیک برای دستیابی به اهداف جفت‌گزینی است. هوش هیجانی به ما در شناسایی شرکای قابل اعتماد و اجتناب از "سوارکاران مجانی" کمک می‌کند. این عملکرد در حوزه جفت‌گزینی با حساسیت و اهمیت بسیار بیشتری تکرار می‌شود. انتخاب یک شریک زندگی، یکی از پرهزینه‌ترین تصمیمات تکاملی یک فرد است. هوش هیجانی با توانایی تشخیص ظریف عدم صداقت، (خودشیفتگی^{۲۳})، یا فقدان تعهد، یک سیستم هشدار اولیه تکاملی را فراهم می‌کند که از فرد در برابر هزینه‌های فاجعه‌بار یک جفت‌گزینی نامناسب محافظت می‌نماید (بیکر و همکاران، ۲۰۲۰).

مطالعه‌ای توسط خالد^{۲۴} و همکاران (۲۰۲۲) به طور مستقیم نشان داد که هم مردان و هم زنان، هوش هیجانی را به عنوان یک صفت بسیار مطلوب در یک شریک بلندمدت رتبه‌بندی می‌کنند. این مطالعه نشان داد که EQ در کنار صداقت و هوش، از جمله ده ویژگی برتر برای انتخاب شریک زندگی است. مگدالنا و مک‌کیج^{۲۵} (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان رابطه هوش هیجانی با انتخاب همسر در مردان و زنان دارای گرایش به جنس مخالف نشان دادند که بین هوش هیجانی و انتخاب رابطه معناداری وجود دارد. همچنین هوش هیجانی قادر به پیش‌بینی انتخاب همسر می‌باشد. والتر^{۲۶} و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان دادند که بین هوش هیجانی با استراتژی کوتاه‌مدت رابطه منفی معناداری وجود دارد. کلتنر^{۲۷} و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان دادند که بین هوش هیجانی با همکاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۳- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه شماره ۱: نگاهی از منظر روانشناسی تکاملی به پیش‌بینی رفتارهای همکاری با هوش هیجانی

فرضیه شماره ۲: نگاهی از منظر روانشناسی تکاملی به پیش‌بینی استراتژی جفت‌گزینی با هوش هیجانی

۴- روش تحقیق

۴-۱- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

روش تحقیق توصیفی-همبستگی از نوع کاربردی است که رابطه دو یا چند متغیر را باهم می‌سنجد. جامعه پژوهش حاضر را تمامی افراد بین ۱۸ تا ۵۰ سال از نواحی مختلف شهر شیراز در سال ۱۴۰۴ تشکیل دادند. حجم نمونه پژوهش از جامعه یادشده به تعداد ۱۹۰ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. به آزمودنی‌ها توضیح داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی خواهد ماند. آن‌ها مختار هستند که در پژوهش حاضر شرکت کنند. ملاک ورود ساکن شیراز بودن، سن بین ۱۸ تا ۵۰ سال، توانایی خواندن و نوشتن بود. و ملاک عدم ورود نبود هر کدام از شروط ذکر شده در ملاک ورود. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه، در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفت. سطح آمار توصیفی از شاخص‌های آماری

²⁰ Delton & Krasnow

²¹ Tit-for-Tat

²² Axelrod

²³ Narcissism

²⁴ Khallad

²⁵ Magdalena & Maciej

²⁶ Walter

²⁷ Keltner

شامل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم افزار SPSS27 انجام شد. جدول شماره ۱ ویژگی جمعیت شناختی پاسخ دهندگان را نشان می دهد.

جدول ۱. ویژگی جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

سن	فراوانی	درصد	جنسیت	فراوانی	درصد	تاهل	فراوانی	درصد	تحصیلات	فراوانی	درصد
۱۸ تا ۲۸	۳۱	۱۶,۳	زن	۱۶۰	۸۴,۲	مجرد	۵۲	۲۷,۴	دیپلم	۵۹	۳۱,۱
۲۸ تا ۳۸	۶۴	۳۳,۷	مرد	۳۰	۱۵,۵	متاهل	۱۳۲	۶۹,۵	فوق دیپلم	۱۳	۶,۸
۳۸ تا ۴۸	۷۷	۴۰,۵	مجموع	۱۹۰	۱۰۰	متارکه	۶	۳,۲	لیسانس	۶۵	۳۴,۲
۴۸ تا ۵۸	۱۸	۹,۵				مجموع	۱۹۰	۱۰۰	فوق لیسانس	۴۶	۲۴,۲
مجموع	۱۹۰	۱۰۰							دکتر	۷	۳,۷

با توجه به جدول فوق، بیشترین فراوانی مربوط به بازه سنی ۳۸ تا ۴۸ سال، مدرک تحصیلی لیسانس، افراد متاهل و زنان بودند.

۴-۲- ابزار

۴-۳- پرسشنامه تاریخچه زندگی آریزونا (۲۰۱۷)

این پرسشنامه شامل ۴۲ سوال است که ابعاد مختلف رفتارهای همکاری و جفت گزینی را مورد سنجش قرار می دهد و ۷ خرده مقیاس به نام های (۱) بینش، برنامه ریزی و کنترل (۲) کیفیت روابط والدین (۳) تماس و پشتیبانی اجتماعی خانواده (۴) تماس و پشتیبانی اجتماعی دوستان (۵) دلبستگی شریک عاطفی (۶) نوع دوستی عمومی (۷) دینداری می باشد (هر خرده مقیاس شامل ۶ گویه) می باشد، که از سوال ۱ تا ۲۴ در طیف لیکرت ۷ گزینه ای از ۳- (کاملاً مخالف) تا ۳+ (کاملاً موافق) و از سوال ۲۵ تا ۴۲ در طیف لیکرت ۴ گزینه ای از ۰ (نه اصلاً) تا ۳+ (زیاد) نمره گذاری شده است.

آلفای کرونباخ آن ۰,۷۷ می باشد. روایی این پرسشنامه ۰,۹۱ بود. این پرسشنامه توسط دشتیان، برزگر و خرم دل (۱۴۰۳) هنجار داخلی شده است. آلفای کرونباخ برای عامل اصلی پرسشنامه باتری تاریخچه زندگی آریزونا ۰,۸۲ بدست آمد. همبستگی درون گویه ای برای سوالات در دامنه ای ۰,۸۱ تا ۰,۸۳ بود. آلفای کرونباخ خرده مقیاس ها برای بینش، برنامه ریزی و کنترل ۰,۷۸، نوع دوستی عمومی ۰,۶۵، دینداری ۰,۸۹، دلبستگی شریک عاطفی ۰,۷۸، کیفیت روابط والدین ۰,۷۹، تماس و پشتیبانی اجتماعی خانواده ۰,۸۷، تماس و پشتیبانی اجتماعی دوستان ۰,۹۳ بدست آمد.

۴-۴- پرسشنامه هوش هیجانی شات و همکاران (۱۹۹۸)

این پرسشنامه توسط شات و همکاران (۱۹۹۸) و براساس الگوی اولیه هوش هیجانی مایز و سالوی (۱۹۹۰) ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۳۳ جمله توصیفی می باشد. نمره گذاری توسط مقیاس پنج گزینه ای لیکرت که از کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵ است، انجام می گیرد. این پرسشنامه شامل سه مولفه ی تنظیم هیجان، ارزیابی و بیان هیجان و بهره برداری از هیجان است. پایایی آلفای کرونباخ برای هوش هیجانی کل ۰,۸۴ و برای خرده مقیاس ها به ترتیب: ارزیابی و ابراز هیجان ۰,۷۶، تنظیم و مدیریت هیجان ۰,۶۶ و بهره برداری از هیجان ۰,۵۵ بدست آمد (سیاروچی، کاپوتی، چانگ و رابرتس، ۲۰۰۱). در پژوهش محمدخانی و باش قره (۱۳۸۷) پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰,۷۴ و پایایی خرده مقیاس های تنظیم هیجان، ارزیابی هیجان و بهره برداری هیجان به ترتیب ۰,۷۲، ۰,۵۶ و ۰,۵۸ بدست آمد.

۵- یافته‌های تحقیق

جدول ۲. بررسی نمونه آماری خرده مقیاس‌های هوش هیجانی و استراتژی تاریخچه زندگی آریزونا

تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	
۱۹۰	۱۰	۴۳	۱۸,۲۰	۶,۵۸	تنظیم هیجان
۱۹۰	۱۳	۵۸	۲۶,۵۶	۸,۵۱	ارزیابی و بیان هیجان
۱۹۰	۱۰	۴۴	۲۰,۱۲	۶,۶۵	بهره‌برداری از هیجان
۱۹۰	۳۳	۱۴۵	۶۴,۸۸	۲۰,۹۶	مجموع هوش هیجانی
۱۹۰	-۱۲	۱۸	۱۱,۷۲	۵,۶۷	بینش، برنامه‌ریزی و کنترل
۱۹۰	-۱۸	۱۸	۵,۶۷	۸,۳۸	نوع دوستی عمومی
۱۹۰	-۱۸	۱۸	۹,۴۱	۸,۹۵	دینداری
۱۹۰	-۱۸	۱۸	۱,۴۱	۸,۴۲	دلبستگی شریک عاطفی
۱۹۰	۰	۱۸	۱۴,۰۱	۳,۹۱	کیفیت روابط والدین
۱۹۰	۰	۱۸	۱۰,۲۵	۴,۵۷	تماس و پشتیبانی اجتماعی خانواده
۱۹۰	۰	۱۸	۱۱,۲۲	۴,۳۸	تماس و پشتیبانی اجتماعی دوستان
۱۹۰	-۲۸	۱۲۶	۶۳,۷۲	۲۹,۸۹	مجموع استراتژی تاریخچه زندگی

جدول ۳. بررسی رابطه بین هوش هیجانی و رفتار همکاری (نوع دوستی) و استراتژی جفت‌گزینی (استراتژی

تاریخچه زندگی) بر اساس آزمون آماری پیرسون

متغیر مستقل	ضریب پیرسون	معناداری	رابطه	تعداد
نوع دوستی	۰,۷۰۰**	۰,۰۰۱	رابطه مثبت دارد	۱۹۰
استراتژی تاریخچه زندگی	۰,۸۱۶**	۰,۰۰۱	رابطه مثبت دارد	۱۹۰

** معناداری کمتر از ۰/۰۱

* معناداری کمتر از ۰/۰۵

بر اساس جدول فوق، بین هوش هیجانی و رفتار همکاری (نوع دوستی) و استراتژی تاریخچه زندگی رابطه معنادار مثبت وجود دارد. با افزایش هوش هیجانی، استراتژی تاریخچه زندگی نیز افزایش می‌یابد. با افزایش هوش هیجانی، نوع دوستی و به دنبال آن رفتار همکاری افزایش می‌یابد. افزایش نمره استراتژی تاریخچه زندگی، یعنی استفاده از استراتژی کند و انتخاب راهبرد k (ترجیح تخصیص به جای تلاش جسمانی و والدین/ شخصیت‌گرایانه، تاکید بر بقای خود و/یا فرزندان فعلی به جای تولید موجودات جدید)، در مقابل راهبرد I (تخصیص ترجیحی منابع به تلاش تولیدمثلی و جفت‌گیری می‌باشد و تاکید بر تولید موجودات جدید) می‌باشد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

بین هوش هیجانی و نوع دوستی (رفتار همکاری)، رابطه معنادار مثبت وجود دارد. با افزایش هوش هیجانی، نوع دوستی و به دنبال آن رفتار همکاری افزایش می‌یابد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش بازویی و همکاران (۱۴۰۳)، اسکات و همکاران (۲۰۲۰)، کلتنر و همکاران (۲۰۱۸) همسو می‌باشد.

از منظر روانشناسی تکاملی، هوش هیجانی و رفتارهای همکاری به عنوان دو ویژگی اساسی در تکامل انسان در نظر گرفته می‌شوند که با هم مرتبط هستند. هوش هیجانی به توانایی درک، استفاده، مدیریت و استدلال درباره احساسات خود و دیگران اشاره دارد، در حالی که رفتارهای همکاری به تمایل و توانایی افراد برای کار با یکدیگر به منظور دستیابی به اهداف مشترک اشاره دارد. تکامل این دو ویژگی به طور متقابل و به دلیل مزایای بقا و تولید مثلی که برای انسان ها فراهم می‌کردند، اتفاق افتاده است. هوش هیجانی به افراد این امکان را می‌دهد که احساسات دیگران را درک کنند و به درستی به آنها پاسخ دهند. این امر برای ایجاد اعتماد، صمیمیت و همکاری ضروری است. هوش هیجانی همچنین شامل توانایی مدیریت احساسات خود، به ویژه در شرایط چالش برانگیز است. این امر برای حفظ آرامش و تمرکز در حین همکاری و حل تعارض ضروری است. هوش هیجانی به افراد کمک می‌کند تا به طور موثر با دیگران ارتباط برقرار کنند، احساسات خود را به وضوح بیان کنند و به طور فعال به نظرات دیگران گوش دهند. این امر برای تسهیل همکاری و جلوگیری از سوء تفاهم ضروری است. هوش هیجانی به افراد کمک می‌کند تا دیگران را تشویق و حمایت کنند، به ویژه در مواقعی که با مشکلات روبرو هستند. این امر برای حفظ انگیزه و تعهد در طول فرآیند همکاری بسیار مهم است. از دیدگاه تکاملی، رفتارهای همکاری در انسان ها به دلیل مزایای بقا و تولید مثلی که به همراه داشتند، تکامل یافته‌اند. گروه هایی که بهتر می‌توانستند با یکدیگر همکاری کنند، منابع بیشتری را به اشتراک می‌گذاشتند، از خود و فرزندانشان بهتر محافظت می‌کردند و در نتیجه شانس بیشتری برای بقا و تولید مثل داشتند. هوش هیجانی به عنوان یک ابزار کلیدی در تسهیل این همکاری ها تکامل یافته است. برای مثال، تصور کنید در یک محیط شکار یا جمع آوری غذا، یک فرد می‌تواند با درک نشانه های غیرکلامی مانند ترس یا نگرانی در دیگران، به موقع به آنها کمک کند یا با درک نیازهای آنها، منابع را به اشتراک بگذارد. این نوع درک و پاسخ براساس هوش هیجانی، به بقای گروه کمک می‌کند. روانشناسی تکاملی به ما نشان می‌دهد که هوش هیجانی و رفتارهای همکاری به طور متقابل و در طول تکامل انسان به یکدیگر وابسته بوده‌اند. هوش هیجانی به عنوان یک مهارت کلیدی برای تسهیل همکاری و افزایش شانس بقا و تولید مثل در انسان ها تکامل یافته است. از منظر تکاملی، این رابطه را می‌توان اینگونه تبیین کرد که هوش هیجانی به عنوان یک «رابط مغزی-اجتماعی» عمل می‌کند که اجرای موفقیت آمیز مکانیسم های تکاملی همکاری، مانند بده بستان متقابل، را تسهیل می‌نماید. افراد با هوش هیجانی بالا بهتر می‌توانند شرکای قابل اعتماد را تشخیص دهند، هیجان های خود (مانند خشم آنی) را در خلال تعاملات همکارانه تنظیم کنند، و با همدلی بیشتر، انگیزه قوی تری برای کمک به دیگران داشته باشند. این مهارت ها هزینه های همکاری را کاهش و منافع بلندمدت آن را افزایش می‌دهند، بنابراین سرمایه گذاری بر همکاری برای این افراد از نظر تکاملی سودمندتر است.

بین هوش هیجانی و استراتژی تاریخچه زندگی (استراتژی جفت‌گزینی)، رابطه معنادار مثبت وجود دارد. با افزایش هوش هیجانی، استراتژی تاریخچه زندگی نیز افزایش می‌یابد. افزایش نمره استراتژی تاریخچه زندگی، یعنی استفاده از استراتژی کند و انتخاب راهبرد k (ترجیح تخصیص به جای تلاش جسمانی و والدین/شخصیت‌گرایانه، تاکید بر بقای خود و/یا فرزندان فعلی به جای تولید موجودات جدید)، در مقابل راهبرد I (تخصیص ترجیحی منابع به تلاش تولیدمثلی و جفت‌گیری می‌باشد و تاکید بر تولید موجودات جدید) می‌باشد. نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات والتر و همکاران (۲۰۲۰) همسو می‌باشد.

از منظر روانشناسی تکاملی، هوش هیجانی می‌تواند نقش مهمی در استراتژی های جفت‌گزینی انسان ایفا کند. هوش هیجانی به توانایی درک، استفاده، مدیریت و استدلال با احساسات خود و دیگران اشاره دارد. این توانایی می‌تواند در انتخاب شریک زندگی و حفظ روابط عاطفی، به ویژه در طول تاریخ تکاملی انسان، مزایای قابل توجهی داشته باشد. هوش هیجانی بالا به افراد این امکان را می‌دهد که احساسات شریک خود را بهتر درک کنند و به نیازهای عاطفی او پاسخ دهند. این امر می‌تواند به

ایجاد روابط قوی تر و رضایت بخش تر منجر شود. افراد با هوش هیجانی بالا معمولاً در برقراری ارتباط موثر با دیگران مهارت در انتخاب و حفظ شریک زندگی بسیار حیاتی است. توانایی مدیریت هیجانات در هنگام تعارض، از ویژگی های افراد با هوش هیجانی بالاست. این امر می تواند به حل موثر اختلافات و جلوگیری از آسیب رساندن به رابطه کمک کند. هوش هیجانی به افراد کمک می کند تا صفات و رفتارهای بالقوه شریک زندگی را بهتر ارزیابی کنند. این ارزیابی می تواند شامل مواردی مانند قابلیت اطمینان، همدلی و تعهد باشد که همگی در روابط بلندمدت مهم هستند. افراد با هوش هیجانی بالا ممکن است به سمت استراتژی های جفت گزینی پایدار گرایش داشته باشند. این استراتژی ها شامل انتخاب شریک هایی است که به احتمال زیاد در طولانی مدت متعهد و وفادار خواهند بود. در مقابل، ممکن است افرادی که هوش هیجانی پایینی دارند، به سمت استراتژی های جفت گزینی کوتاه مدت تمایل بیشتری داشته باشند. این افراد ممکن است به دنبال شرکای جنسی موقت باشند و کمتر به تعهد بلندمدت اهمیت دهند. روابط سالم و پایدار که توسط هوش هیجانی تسهیل می شوند، به بقای نسل کمک می کنند. این امر می تواند توضیح دهد که چرا هوش هیجانی به عنوان یک ویژگی مطلوب در انتخاب شریک زندگی در طول تاریخ تکاملی انسان تکامل یافته است. مهم است که توجه داشته باشیم که هوش هیجانی تنها یکی از عوامل موثر در انتخاب شریک زندگی است و عوامل دیگری مانند جذابیت فیزیکی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی و ارزش های مشترک نیز نقش دارند. مهم است که توجه داشته باشیم که هوش هیجانی تنها یکی از عوامل موثر در انتخاب شریک زندگی است و عوامل دیگری مانند جذابیت فیزیکی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی و ارزش های مشترک نیز نقش دارند.

از آنجایی که هوش هیجانی پیش بینی کننده وفاداری، توانایی مدیریت تعارض و کیفیت والدگری است (مالوف^{۲۸} و همکاران، ۲۰۱۴)، انتخاب چنین شریکی می تواند یک سرمایه گذاری تکاملی ارزشمند برای یک رابطه بلندمدت محسوب شود. بنابراین، افرادی که خود از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، احتمالاً این ویژگی را در شریک آینده خود نیز جستجو می کنند و به سمت استراتژی های بلندمدت گرایش پیدا می کنند. تشکیل و نگهداری یک رابطه بلندمدت مستلزم مهارت های هیجانی پیچیده ای است که افراد با هوش هیجانی بالا از آن برخوردارند. توانایی درک نیازهای عاطفی شریک زندگی، حل سازنده تعارضات و حفظ صمیمیت، همگی از مؤلفه های هوش هیجانی هستند که احتمال موفقیت در یک استراتژی بلندمدت را به طور چشمگیری افزایش می دهند.

به عبارت ساده تر، افرادی که در محیطی امن و قابل پیش بینی پرورش یافته اند، به سمت اتخاذ یک استراتژی کند سوق داده می شوند. این استراتژی، سرمایه گذاری بر توسعه مهارت های پیچیده (مانند هوش هیجانی) را ترویج می کند زیرا آینده ارزش سرمایه گذاری دارد. در مرحله بعد، این هوش هیجانی بالا، رفتارهایی را تقویت می کند که برای یک استراتژی کند سازگارانه هستند، یعنی همکاری بیشتر و تمایل به رابطه بلندمدت. در مقابل، محیط های خشن، استراتژی سریع و در نتیجه اولویت بندی بازدهی کوتاه مدت را تقویت می کنند که با سرمایه گذاری کمتر بر هوش هیجانی و در نتیجه همکاری کمتر و تمایل به روابط کوتاه مدت تر همراه است.

از جمله محدودیت های پژوهش می توان به محدود بودن نمونه به تنها افراد بین ۱۸ تا ۵۰ سال ساکن شهر شیراز اشاره کرد که تعمیم نتایج را با محدودیت همراه می کند. همچنین استفاده از پرسشنامه خودگزارشی نیز دیگر محدودیت پژوهش می باشد. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی به نقش متغیرهای دیگری از جمله سبک های دلبستگی و ویژگی های شخصیتی، و ... از منظر روانشناسی تکاملی اهتمام ورزند. همچنین علاوه بر پرسشنامه از مصاحبه ساختاریافته نیز استفاده گردد. و با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می شود افرادی که قصد ازدواج دارند، در گارگاه های مدیریت هیجان، هوش هیجانی، شرکت کنند.

سپاسگزاری

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را یاری رساندند، کمال تشکر را داریم. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد.

منابع

۱. بازویی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان رابطه بین هوش هیجانی و یادگیری مبتنی بر همکاری میان دانش آموزان نشان دادند که بین هوش هیجانی و یادگیری مبتنی بر همکاری میان دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. جنت آبادی، حسین و سرحدی، مهدیه. (۱۳۹۸). مقایسه هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی دوره متوسطه زاهدان. روانشناسی افراد استثنایی، ۴(۱۶)، ۱۵۹-۱۷۰.
۳. حسینی، م. و همکاران. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۰.
۴. دژکام، م. (۱۴۰۰). روان‌شناسی ازدواج. تهران: انتشارات منشاء دانش.
۵. دشتیان، س. برزگر، م. خرم‌دل، ک. (۱۴۰۴) ارزیابی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه باتری تاریخچه زندگی آریزونا (نسخه کوتاه) روایی، پایایی، تحلیل عاملی. مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت. فروردین ۱۴۰۴. (در دست چاپ)
۶. محمدخانی، شهرام و باش قره، رقیه. (۱۳۸۷). رابطه هوش هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای با سلامت عمومی دانشجویان. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، ۲(۱)، ۳۷-۴۷.
۷. رایبیز، استیفن. مبانی رفتار سازمانی. (۱۳۸۸). ترجمه امیدواران، کامیار و همکاران، چاپ سوم، انتشارات مهربان نشر، صفحه‌ی ۲۸۲.

8. Axelrod, R., & Hamilton, W. D. (1981). The evolution of cooperation. Science, 211(4489), 1390-1396.
9. Baker, Z., Gjersoe, N., Sibony, O., & Hood, B. (2020). Children's understanding of the costs and rewards underlying cooperation. Journal of Experimental Child Psychology, 191, 104738.
10. Brackett, M. A., Mojsa-Kaja, J., & Tsaousis, I. (2019). Emotional intelligence and well-being: A meta-analysis. Emotion, 19(5), 823-835.
11. Buss, D. M., & Schmitt, D. P. (2019). Mate preferences and their behavioral manifestations. Annual Review of Psychology, 70, 77-110.
12. Buss, D. M.; Barnes, M. (1986). "[Preferences in human mate selection](#)" (PDF). Journal of Personality and Social Psychology, 50 (3), 559-70.
13. Buss, D. M.; Larsen, R. J.; Westen, D.; Semmelroth, J. (1992). "[Sex differences in jealousy: Evolution, physiology, and psychology](#)" (PDF). Psychological Science, 3 (4), 251-55. Buss, D.
14. Buss, D. M.; Larsen, R. J.; Westen, D.; Semmelroth, J. (1992). "[Sex differences in jealousy: Evolution, physiology, and psychology](#)" (PDF). Psychological Science, 3 (4), 251-55. Buss, D. M. (1994). The evolution of desire: Strategies of human mating. New York: Basic Books.
15. Buss, David M. (2004). [Evolutionary psychology: the new science of the mind](#). Boston: Pearson/A and B. ISBN 978-0-205-37071-9.

16. Ciarrochi, J., Chan, A.Y.C., Caputi, P., & Roberts, R. (2001). Measuring emotional intelligence. In C. Ciarrochi, J.P. Forgas, & J.D. Mayer (Eds.), *Emotional intelligence in everyday life: a scientific inquiry* (pp 25-45). Philadelphia, PA: Psychology Press.
17. Delton, A. W., & Krasnow, M. M. (2017). The psychology of cooperation: Why we help and when we don't. *Nature Human Behaviour*, 1(1), 1-3.
18. Hamilton, W. D. (1964). The genetical evolution of social behaviour. I & II. *Journal of Theoretical Biology*, 7(1), 1-52.
19. Keltner, D., Kogan, A., Piff, P. K., & Saturn, S. R. (2018). The sociocultural appraisals, values, and emotions (SAVE) framework of prosociality: Core processes from gene to meme. *Annual Review of Psychology*, 69, 1-28.
20. Kenrick, D. T. (2023). Evolutionary psychology. In *Encyclopaedia Britannica*. Encyclopaedia Britannica inc. Available at [Britannica.science/evolutionary-psychology](https://www.britannica.com/science/evolutionary-psychology).
- Koczwara, A., & Bullock, T. (2009). What is emotional intelligence at work?. *General Practice Update*, 2 (5), 47-50.
21. Khallad, Y., Jabr, F., & Al-Momani, M. (2022). Desired mate characteristics among young adults in Jordan: The role of gender and sociosexual orientation. *Evolutionary Psychology*, 20(1), 1-12.
22. Magdalena, Smieja & Maciej, Stolarski. (2018). Assortative mating for emotional intelligence. *Current Psychology*, 37(1), 1-8.
23. Malouff, J. M., Schutte, N. S., & Thorsteinsson, E. B. (2014). Trait emotional intelligence and romantic relationship satisfaction: A meta-analysis. *The American Journal of Family Therapy*, 42(1), 53-66.
24. Mayer, J.D., Salovey, P., Caruso, D.R. (2003). Measuring Emotional Intelligence. *MSCEIT*, 3, 97-105.
25. Nowak, M. A. (2006). Five rules for the evolution of cooperation. *Science*, 314(5805), 1560-1563.
26. Schacter, Daniel L, Daniel Wegner and Daniel Gilbert. (2007). *Psychology*. Worth Publishers, 0-716-5215-8 9780716752158.
27. Schmitt, D. P.; Buss, D. M. (2001). ["Human mate poaching: Tactics and temptations for infiltrating existing relationships"](#) (PDF). *Journal of Personality and Social Psychology*, 80 (6), 894-917.
28. Schutte, N. S., Malouff, J. M., & Bhullar, N. (2020). The assessing emotions scale. In *The handbook of emotional intelligence* (pp. 119-134). Routledge.
29. Tooby, J., & Cosmides, L. (2020). The evolutionary psychology of the emotions. In *The Cambridge Handbook of Human Affective Neuroscience* (pp. 1-24). Cambridge University Press.
30. Trivers, R. L. (1971). The evolution of reciprocal altruism. *The Quarterly Review of Biology*, 46(1), 35-57.
31. Walter, K. V., Conroy-Beam, D., Buss, D. M., Asao, K., Sorokowska, A., Sorokowski, P., ... & Zupancic, M. (2020). Sex differences in mate preferences across 45 countries: A large-scale replication. *Psychological Science*, 31(4), 408-423.
32. Wilson, D. S. (2019). *This view of life: Completing the Darwinian revolution*. Pantheon Books
33. Wilson, Edward Osborne ("E. O.") (1975). *Sociobiology: the new synthesis*. Cambridge: Belknap Press of Harvard University Press. ISBN 978-0-674-81621-3.